

امدادیه‌ها غیبی

علی مسینی منجزی



نشر دارشوق
۱۳۹۳

سرشناسه: حسینی منجری، علی، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: امدادهای غیبی / علی حسینی منجری.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۰۰-۵۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حسینی منجری، علی، ۱۳۴۳ - - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - آزادگان - - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - خاطرات

زده بندی کنگره: ۱۳۹۳ / ۵۵۷۳ ح / ۱۶۲۹ DSR

زده بندی دیوبنی: ۹۵۵/۰۸۴۳۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۱۱۱۰۰



امدادها غیبی

علی حسینی منجری

ناشر: دارخوین

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰

صفحه آرای: حامد شاهمرادی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۳۳-۰۸-۶

مقدمه

هیچ واژه‌ای در فرهنگ جبهه بیهوده وارد نمی‌شد، بدون دلیل روی زبان‌ها نمی‌افتاد و سینه به سینه نمی‌چرخید تا به‌عنوان یک باور و اعتقاد قلبی و یک فرهنگ عمومی تثبیت شود.

تمامی واژه‌ها در عمق اعتقادات رزمندگان و فرهنگ حاکم بر جبهه ریشه داشتند، همه کاربردی بودند، هیچگونه شعار و تظاهر و تعارفی در کار نبود، هیچ واژه و فرهنگی تا از ده‌ها صافی و آزمون نمی‌گذشت و سربلند بیرون نمی‌آمد کسی به آن اعتقادی نمی‌یافت و به آن دخیل نمی‌بست، مانند ذکر صلوات که به هر مناسبتی و در هر مجلسی در غالب شعر و شعار و سرود جمعی به کار برده می‌شد و زینت بخش مجالس رزمندگان بود، هر گردان یک یا چند حاجی صلواتی داشت که به هر مناسبتی صلوات چاق می‌کردند و مجلس را گرمی و شور می‌بخشیدند.

ایستگاه صلواتی جایی بود که شربت و غذا و هر نوع خدمانی را رایگان به رزمندگان ارائه می‌کرد اما برای این که هیچ رزمنده‌ای مفت خوری نکند و قصر در ورود و زیادی هم رایگان نباشد، می‌گفتند در ازای قیمت هر خدمتی صلوات بفرست.

برای این که این صلوات‌ها بدون نیت و هدف نباشد هم می گفتند:
برای فرج امام زمان (عج)، سلامتی امام خمینی و پیروزی رزمندگان
و... صلوات بفرست.

یا واژه «بی ترمزها» که برای بسیجی‌های بی کله و دل جیگر دار اما
بی حساب کتاب، به کار می رفت.

همان‌هایی که وقتی دستور حمله صادر می شد آن قدر جلو می رفتند
و پیشروی می کردند که از پشت جبهه دشمن سر در می آوردند و
کیلومترها از نیروهای خودی فاصله می گرفتند، این‌ها از هیچ چیز
نمی ترسیدند، احتیاط و ملاحظه در کارشان نبود و چیزی جز مرگ
جلودارشان نبود.

وقتی ترمز می بردند فقط پیشروی داشتند. نه توقف، نه عقب نشینی،
تا این که یا پیروز می شدند یا به اسارت در می آمدند.

این واژه‌ها آن قدر گسترش می یافت عمومی می شد که از محدوده
جبهه فراتر می رفت، به میان مردم می آمد، روی زبان مردم کوچه و بازار
می افتاد و هری کله‌ای را بی ترمز می گفتند.

و ده‌ها واژه دیگر از این قبیل که هر کدام بیانگر بخشی از فرهنگ
جبهه و اعتقادات رزمندگان بود.

از جمله مشهورترین این واژه‌ها که هیچکس حتی عامه مردم با آن
غریب نبودند و حداقل یک شناخت نسبی از آن داشتند و چند داستان
از آن شنیده بودند، واژه «امدادهای غیبی» بود.

یکی از عمیق‌ترین و عرفانی‌ترین واژه‌های فرهنگی دفاع مقدس
و عوامل معنوی جنگ تحمیلی که تمامی رزمندگان با نامش انس
داشتند، شب‌های حمله و هنگام قفل شدن کار و قرار گرفتن در تنگنای
جنگ، چشم امید به آسمان دوخته و رسیدنش را بی صبرانه انتظار
می کشیدند، بارها آن را دیده و لمس کردند، از برگات به موقع‌اش
استفاده فراوان بردند و خاطرات و داستان‌های زیاد و بیادماندنی از آن
دارند یا شنیده‌اند، همین امدادهای غیبی بود.

این امدادهای غیبی چیز عجیب و شگفت انگیز آوری نبودند بلکه می‌توان گفت از بدیهیات فرهنگ جبهه و باورهای عمیق دینی رزمندگان بود که در وقت نیاز با حسن ظن، چشم به آمدنش دوخته و با دلی صاف و نیتی صادق آن را طلب می‌کردند و یقین داشتند به‌زودی، در وقت مناسب خواهدآمد و کمتر رزمنده‌ای بود که این آیه را از حفظ نباشد، شب‌های حمله که سوار کامیون‌ها شده و به طرف خط راه می‌افتادند، صورتش را به آسمان برنگرداند چشم‌ها را به صفحه آسمان ندوخته و آن را به آرامی زیر لب زمزمه نکند:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ. ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا... بدرستیکه کسانی که به خدا ایمان و یقین یافتند و فقط گفتند: خدا، فقط او را طلبیدند و از او کمک خواستند، سپس در راه خدا پایداری و مقاومت کردند، فرشتگان رحمت بر آن‌ها نازل می‌شوند و یاری‌شان می‌کنند. و به آن‌ها می‌گویند نترسید و ناراحت نشوید که...

هرگاه خود را وسیله‌ای بیش نمی‌دید و همه چیز را از خدا می‌دیدیم و با امید و تکیه بر او حرکت می‌کردیم، بدون شک فرشتگان الهی ما را همراهی و در وقت نیاز یاری می‌کردند، این حقیقت را بارها با چشم خود دیدیم و این چیزی جز ایمان و یقین به ما نمی‌افزود.

از این رو برخی داستان‌ها و حقایق فرهنگ جبهه که به یقین مشاهده شده را می‌آورم تا درس عبرتی باشد برای دوست‌داران فرهنگ جبهه و جویندگان راه خدا و دلیلی محکم بر اثبات باورهای دینی و صداقت واژه‌های معنوی فرهنگ جبهه، تا هرگاه در عرصه‌ای از زندگی و مبارزه دست خود را از اسباب دنیوی کوتاه دیدیم، توان خود را در انجام تکلیف الهی و یاری دین خدا از دست داده و عاجز ماندیم و نیاز ضروری به حمایت و یاری از جانب خداوند احساس کردیم، در این باور تردد نکرده، طلب نصرت نماییم و به انتظار رسیدن امدادهای ربانی از عالم غیب بنشینیم و یقین بدانیم خواهندآمد و ما را به هر شکلی یاری خواهند کرد.

این واژه و باور تنها به دوران دفاع مقدس و رزمندگان تعلق نداشته بلکه در هر شرایطی و برای هر کسی که به این حقیقت باور قلبی داشته باشد به زودی محقق خواهد شد.